

پاسداشت یاد امام خمینی^(ره) درسی امین سالگرد ارتحال

سلوک عقلانی یک رهبر انقلابی

در صفحات دیگر می خوانید:

«شاخص‌های نظام کار آمد از نگاه بنیانگذار انقلاب»

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام مجید انصاری

استراتژی دولت‌ خردبندان

«مبارزه با فساد اقتصادی در مثنی سیاسی و عملی حضرت امام^(ره)»

در گفت‌وگو باحجت‌الاسلام محسن غرویان

وقتی اخلاق به حاشیه می رود

بررسی مفهوم «مصلحت» در فقه شیعه و اندیشه امام^(ره)

در گفت‌وگو با یحیی فوزی

کارویژه مصلحت، کارآمد کردن نظام است

آیت‌الله موسوی تبریزی از جایگاه قانون در اندیشه امام^(ره) می گوید

فرمان ۸ ماده‌ای اوج قانونگرایی امام^(ره)



نوع مواجهه امام^(ره) بانواندیشی و نواندیشان دینی در گفت‌وگو با دکتر علی محمد حاضری

گشودگی در برابر عقلانیت جدید

رضا ذوالفقاری

گروه اندیشه / یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های حضرت امام(ره) همواره بحث «نواندیشی دینی» بود و می‌توان ایشان را یکی از پایه‌گذاران این رویکرد دینی قلمداد کرد. سالروز رحلت ایشان بهانه‌ای شد تا به سراغ دکتر علی محمد حاضری، استاد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه تربیت مدرس برویم و از وی در خصوص نوع مواجهه حضرت امام(ره) با «نواندیشی دینی» و «نواندیشان دینی» و اینکه چقدر این قرائت می‌تواند برای امروز ما راهگشا باشد، بپرسیم.
دکتر حاضری، مقالات و پژوهش‌های گسترده‌ای پیرامون آرای حضرت امام خمینی(ره) دارد از جمله «دشمن‌شناسی امام خمینی(ره)»، «نظم و امنیت در منظر امام خمینی(ره)»، «دانشگاه و دانشگاهیان در نگاه امام خمینی(ره)» و... آنچه در ادامه می‌آید ماحصل گفت‌وگوی ما با او است که می‌خوانید.

■ **جناب دکتر حاضری، چقدر بستر علمی یا سیاسی- اجتماعی که حضرت امام(ره) در آن قرار داشت، «نواندیشی دینی» را برای ایشان به یک ضرورت بدل می‌کرد؟**
حضرت امام خمینی(ره) اساساً از سال ۱۳۴۲-۱۳۴۰ که نهضت خود را در ارتباط با انقلاب شروع کردند، در موضع‌گیری‌های دینی خود همواره به دستاوردهای بشری و تأملات عقلانی عنایت داشت و برای پاسخگویی به مسائل روز از آنها بهره می‌گرفت. این نحوه نگاه ایشان را من زیر عنوان «نواندیشی دینی» قرار می‌دهم که به طور طبیعی از یک طرف به بحث‌های «روشنفکری دینی» و از طرف دیگر به بحث «اجتهاد متناسب با زمان و مکان» نزدیک می‌شود.

اساساً این نوع نگاه امام خمینی(ره) در فضای روحانیت سنتی و حوزویان سنتی ایران چندان نگاه پر طرفدار و رایجی نبود و به نوعی در فضای حوزوی از آن زمان اقلیت بود. امام(ره) از همان آغاز، نگاهش به تحصیلکردگان جدیدی بود که در عین حال باور و اعتقادات دینی داشتند و سعی کرده بودند که برخلاف

و ۱۳۴۳ موضوع‌گیری‌های متفاوت‌تری را در مقایسه با روحانیت سنتی اتخاذ می‌کردند؛ شاخص‌ترین مثال در این زمینه مربوط به ماجرای «اصلاحات ارضی» است. ایشان در سال‌های ۱۳۴۳-۱۳۴۰ متمایز از سایر روحانیون هیچگاه وارد عرصه مقابله با اصلاحات ارضی نشدند. در حالی که محور بسیاری از نقدها و اعتراض‌های روحانیون دیگر نسبت به انقلاب سفید شاه، تحریم اصلاحات ارضی و خلاف شرع دانستن آن بود یا در بحث‌های مربوط به حق رأی زنان و مشارکت‌شان در انتخابات در حالی که بسیاری از روحانیون سنتی آن را حرام اعلام کرده بودند حضرت امام(ره) به نحوی از این موضع فاصله گرفتند و انتقاد خود را نه به حق رأی زنان بلکه به فرمالیته و ظاهرگرایانه بودن این قانون و در واقع عوام‌فریبی که در پس آن قرار داشت، وارد می‌کردند.

هر قدر که از سال ۱۳۴۳ جلوتر می‌آییم این جلوه‌های نواندیشانه در اقدامات امام خمینی(ره) پر رنگ‌تری می‌شود تا جایی که سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶ که حتی روحانیون روشن‌بینی همچون شهید مطهری که نسبت به روحانیت زمان خود بسیار نوگرا بود، بنا بر دلایلی مواضع تندى نسبت به شریعتی گرفت و در این راستا با همراهی مرحوم بازگان، نامه‌ای علیه شریعتی نوشت و هر دو امضا کردند. فارغ از آن‌نامه، شهید مطهری نامه دیگری را با همان محوریت نقد شریعتی به دست امام(ره) رساندند اما امام(ره) برخلاف شهید مطهری و بازگان نسبت به جریان شریعتی موضع گشودتری را اتخاذ کردند. اینها نشان می‌دهد که برای حضرت امام(ره) نواندیشی دینی هم

ایران

■ سال بیست‌وپنجم ■ شماره ۷۰۷۵ ■ دوشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۸

یادداشت



دکتر مهرباب صادق‌نیا

عضو هیات علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

«امید اجتماعی» در منشور فکری امام^(ره)

خلق آرزومندی

شاید کمتر ظرفیتی برای یک جامعه به اندازه «امید اجتماعی» ارزشمند باشد. امید اجتماعی به معنای «امکان و میزان آرزومندی جامعه» تعریف می‌شود؛ یعنی ظرفیتی که به دنبال آن شهروندان یک جامعه در کلیت خود قابلیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را می‌بینند که به آنان این امکان را می‌دهد از وضعیت کنونی خود، که آن را نامطلوب و نامناسب می‌دانند خارج شده و به یک وضعیت مطلوب دست‌یابند.

«امکان آرزومندی» به این معنا است که در جامعه، مجموعه‌ای از تجربه‌ها، تحولات، قابلیت‌ها و امکان‌ها و نوعی ساختار احساسات شکل می‌گیرد که جامعه را به سمت آینده بهتر و اندیشیدن به آن راهنمایی می‌کند. وقتی از امید اجتماعی به مثابه یک «سرمایه اجتماعی» سخن می‌گوییم، منظورمان این است که این پدیده چنان ساختار احساسات جمعی است که امکان پویایی و تحول و شکل‌گیری انگیزه‌های جمعی را به یک جامعه می‌بخشد. امید اجتماعی از این نظر که مردم یک جامعه را به هم پیوند می‌دهد تا وضعیت مطلوبی را بی‌گیرند و شرایط ناخواسته و دشواری را پشت سر گذارند و زمینه انسجام، مشارکت، تعلق و تعهد اجتماعی را فراهم آورند، از سرمایه‌های ارزشمند یک جامعه به‌شمار می‌آید.
ارنست بلوخ (۱۹۷۷-۱۸۸۹) فیلسوف فقید آلمانی، امید را جان جاری جهان می‌داند و می‌گوید: «اندوهناک‌ترین خسران فقدان امنیت نیست بلکه از دست دادن توان خیال آن است که چیزها می‌توانند تغییر کنند». شاید از همین سبب است که ادیان همواره کوشیده‌اند تا امید را در جوامع خود زنده نگاه دارند و با آموزه‌هایی چون خدای خیرخواه و قادر توانا زیست امیدوارانه را در میان پیروان خود برپا سازند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که ورود مدرنیته به ایران، اگرچه تا اندازه‌ای جاده و پیل و صنعت را به مردم ایران عرضه کرد؛ اما از آنجا که هیجانات مثبت را به گونه‌ای نابرابر میان ملت ایران تقسیم کرده بود، گروه‌های فرودست جامعه به اندازه ثروتمندان به آینده خود خوش‌بین نبودند. این طبیعی است که صاحبان قدرت و ثروتمندان و سیاستمداران همواره از امید حرف بزنند؛ ولی فرودستان محروم از قدرت و طر دشدگان جامعه، دلیلی برای امیدواری نداشته‌اند. با این حال، از انقلاب مشروطه به این سوی، جامعه ایران دائماً در حال بسط و گسترش ظرفیت آرزومندی و امیدواری خود بوده است. در این مدت جامعه ایرانی همواره باور داشته که در آینده ممکن است چیزهایی تغییر کند که به سود او باشد. در همه این مدت ایرانی‌ها برای آینده خود سناریوهایی طراحی کرده‌اند که به آنان نوعی خوش‌بینی متعادلکننده می‌داده است؛ اگرچه چالش‌های سیاسی واجتماعی و فرار و فرودهای افراد و جریان‌های سیاسی از این خوش‌بینی‌ها می‌کاست و سناریوها رادست‌نیافتنی می‌نمود.

■ **انقلاب اسلامی و امید اجتماعی**

انقلاب اسلامی ایران درست در شرایطی به پیروزی رسید که امید اجتماعی ایران زیر چرخ الگوهای ناشیانه تجدد نیمه‌جان شده بود. انقلاب اسلامی ایران با شعارهای حمایت از پابرهنگان و تکیه بر مفاهیمی که بیشتر به گروه‌های به حاشیه رانده شده معطوف بود، زمینه‌ای فراهم کرد تا گروه‌های فرودست جامعه نام و نشان پیدا کرده و خودباورانه به حوزه عمومی وارد شوند و از مشاهده‌پذیری خود احساس سرخوشی و امید کنند.

نگاه امام خمینی(ره) همیشه به سوی محرومان جامعه بود و انقلاب را متعلق به مستضعفان می‌دانست. این رویکرد امام خمینی(ره) سبب می‌شد تا فرودستان جامعه احساس کنند دیده شده‌اند و در معادلات قدرت نقشی دارند. رهبر معظم انقلاب نیز در پیامی که به مناسبت چهلمین روز رحلت امام خمینی(ره) صادر کردند، این گونه به راه بنیانگذار انقلاب تأکید گذاشتند: «عدالت اجتماعی بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداری‌های نابایق و محرومیت‌ها ز بین برود و مستضعفان و پابرهنگان، که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلاب‌اند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد. با قوانین لازم و تأمین امنیت قضایی در کشور، بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست‌اندازی به حیطة مشروع زندگی مردم جمع شود. همه کس احساس کنند که در برابر ظلم و تعدی می‌توانند به ملجأ مطمئن پناه‌برند و همه کس بدانند که با کار و تلاش خود خواهند توانست زندگی مطلوبی فراهم آورند.»

■ **بازآفرینی امید اجتماعی**

امام خمینی(ره) با تکیه بر مفاهیمی چند امید اجتماعی را در جامعه ایرانی پدید آورده و رشد داد. سخنان او و نیز مفاهیمی که بر آنها تکیه داشت سبب می‌شد تا ایرانی‌های این احساس عمیق را بیابند که امکان تغییر وضعیت موجود را دارند. برخی از مهم‌ترین مفاهیمی که او به کار می‌برد از این شمارند:

■ **هویت انقلابی شیعه**

امام خمینی(ره) از تشیع یک قرائت انقلابی ارثه داد. او به نوعی از اسلام و شیعه سخن می‌گفت که مخاطبان خود را از خمودی و سستی بیرون می‌آورد. میشل فوکو که برای مطالعه انقلاب اسلامی به ایران سفر کرده بود و با افراد و اشخاص مختلفی گفت‌وگو می‌کرد، معتقد است زبان شکل و محتوای مذهبی انقلاب اسلامی ایران امری پسین، اتفاقی و تصادفی و از سر ناخودآگاهی نیست؛ بلکه تشیع در تصویری که امام خمینی(ره) از آن ارثه می‌دهد، با تکیه بر موضع‌ایستادگی و انتقاد ی پیشینه‌ها در برابر قدرت‌های سیاسی حاکم و نیز نفوذ عمیق و تعیین‌کننده در دل انسان‌ها توانست نقش آفرینی کند و مردم را علیه ساختار قدرتی که یکی از مجهزترین ارتش‌های دنیا را داشت و از حمایت مستقیم امریکا و سایرین برخوردار بود، به خیابان‌ها آورد.

■ **انتظار معنابخش**

خواشن امام خمینی(ره) از مهدویت بسیار امید آفرین و پویایی بخش بود. تصویری که او از مهدویت ارثه می‌دهد با دست روی دست گذاشتن همخوان نیست. در نگاه او «حقیقت» با آخرین پیامبر کارش به پایان نمی‌رسد و بعد از حضرت محمد(ص) دور دیگری آغاز می‌شود که دور ناتمام امامانی است که با سخن خود، با سرمشق‌ی که با زندگی خود می‌دهند و با شهادت خود حامل نوری هستند که همواره یکی است و همواره دگرگون می‌شود؛ نوری که شریعت را که تنها برای این نبیامده است که حفظ شود، بلکه معنایی باطنی دارد که باید به مرور زمان آشکار گردد؛ از درون روشن می‌کند. بنابراین، امام زمان(عج) هر چند پیش از ظهور از چشم‌ها پنهان است؛ به طور کلی و قطعی غایب نیست بلکه خود مردم هستند که هر چه بیشتر نور بیدارگر حقیقت بر دلشان بتابد، بیشتر اسباب بازگشت او را فراهم می‌کنند. او در این زمینه می‌گوید: «ما تکلیف داریم آقا! این‌طور نیست که حالا که ما کم‌ما مظهر ظهور امام زمان(عج) هستیم؛ پس دیگر بنشینیم در خانه‌هایمان، منتیخ را دست بگیریم و بگوییم: عجل الله تعالی فرجه الشریف. یا کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن اینکه مسلمانان را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاءالله ظهور می‌کند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۶۹).

■ **عدالت اجتماعی**

مفهوم «عدالت اجتماعی» یکی از مهم‌ترین کلیواژه‌هایی است که امام خمینی(ره) با آن امید اجتماعی را جان می‌داد. او می‌گوید: اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از استغری و حکومت جائرانه و بسط عدالت فردی واجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کج‌روی‌ها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استبداد و برخورد و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی که جامعه و سیاست را به بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صداقت این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود. (اصحیفه امام، ۲۰۱۱-۲۰۰۴) و نیز می‌گوید: «ما که همچو اسلامی که عدالت باشد در آن، اسلامی که در آن ظلم هیچ نباشد، اسلامی که آن شخص اولش با آن فرد آخر همه در سوا، در مقابل قانون باشند، در اسلام آن چیزی که حکومت می‌کند یک چیز است و آن قانون الهی، بی‌غیرم اکرم هم به همان عمل می‌کرده است، خلفای او هم به همان عمل می‌کردند؛ حالا هم ما موظفیم که به همان عمل کنیم. قانون حکومت می‌کند. شخص هیچ حکومتی ندارد. آن شخص ولو رسول خدا باشد، ولو خلیفه رسول خدا باشد، شخص مطرح نیست در اسلام.» (همان، ج ۹: ۲۴۹).

افزون بر این مفاهیم امام خمینی(ره) با به‌کار بردن مفاهیم استعمارستیزانه و تکیه بر توان مردم و تقویت روحیه جدوجواری و اعتماد به نفس در میان مردم توانست امید را در جامعه ایرانی زنده کند. با تکیه بر همین امید است که جامعه ایرانی پس از انقلاب توانسته است کارهای ناشدنی بزرگی را انجام دهد و به مثابه یک گفتمان پرنامه‌دار در مقابل قدرت‌های بزرگ عرض اندام کند.

کردند، تمسک دارند؟

ما که مابیش از حضور کسانی که همچنان به مشی امام خمینی(ره) در بحث «نواندیشی دینی» اقتدا می‌کنند، بهره‌مند هستیم؛ اما واقعیت این است که به اندازه قدرت و منابع نهادی که امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی در اختیار روحانیت قرار داد، وجوه نواندیشانه دینی ارتقا نیافت بلکه به عکس، منجر به قدرت‌یابی طیف‌های غیر نواندیش شد. به هر حال می‌توانم بگوییم روحانیت ایران و اصولاً

فهم دینی در جامعه ایران بعد از انقلاب پا به پای انتظارات جامعه‌ای که در مسیر نواندیشی دینی حرکت می‌کرد، پیش نرفت. امروز ما شاهد این هستیم که برداشت‌ها و تفاسیری جدید که جز با این نگاه و روش نمی‌توان به عرصه اندیشگی آنان مرتبط شد.

■ **خط قرمز امام(ره) در بحث نواندیشی دینی**

واقعیت این است که حوزه تخصصی من مباحث الهیاتی، کلامی یا فقهی نیست و نمی‌توانم از این زوایا به پرسش شما پاسخ دهم اما اگر بخواهم از منظری جامعه‌شناختی به این پرسش پاسخ دهم، باید گفت که امام(ره) به هر حال نواندیشی را با اتکا به منابع دین و با استفاده از اصل به‌کارگیری خرد و اندیشه در فهم دین به کار می‌گیرد. در این فضا، داده‌های عقلانی بشر تنها می‌تواند چشم‌اندازی برای تأملات نوگرایانه در دین باشد نه اینکه این دستاوردها و معرفت‌های بشری فی‌نفسه و

ذاتاً اصالتی داشته باشد که بتواند در مقابل نصوص و محکمات دین قدم‌علم کند. اگر جایی تعارضی بین آنها دیده می‌شد، برای امام(ره) قطعاً اصالت با «مبانی وحیانی» بود. ■ **چقدر عالمان دینی ما امروز به راهی که امام خمینی(ره) در بحث نواندیشی دینی آغاز**



ابزار و روشی برای فهم دین است و هم ابزار و روشی است برای ارتباط قوی گرفتن با نسل جدید که جز با این نگاه و روش نمی‌توان به عرصه اندیشگی آنان مرتبط شد.

■ **خط قرمز امام(ره) در بحث نواندیشی دینی**

واقعیت این است که حوزه تخصصی من مباحث الهیاتی، کلامی یا فقهی نیست و نمی‌توانم از این زوایا به پرسش شما پاسخ دهم اما اگر بخواهم از منظری جامعه‌شناختی به این پرسش پاسخ دهم، باید گفت که امام(ره) به هر حال نواندیشی را با اتکا به منابع دین و با استفاده از اصل به‌کارگیری خرد و اندیشه در فهم دین به کار می‌گیرد. در این فضا، داده‌های عقلانی بشر تنها می‌تواند چشم‌اندازی برای تأملات نوگرایانه در دین باشد نه اینکه این دستاوردها و معرفت‌های بشری فی‌نفسه و ذاتاً اصالتی داشته باشد که بتواند در مقابل نصوص و محکمات دین قدم‌علم کند. اگر جایی تعارضی بین آنها دیده می‌شد، برای امام(ره) قطعاً اصالت با «مبانی وحیانی» بود. ■ **چقدر عالمان دینی ما امروز به راهی که امام خمینی(ره) در بحث نواندیشی دینی آغاز**